## جلسه 84-436

**‌شنبه - 24/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که امر مکلف دائر است بین این‌که نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود بخواند یا نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری.

یک موردش این بود که بخاطر نبودن مکانی که هم بتواند بایستد و هم بتواند رکوع و سجود اختیاری بکند پیش آمده بود. یک مکانی بود سقفش کوتاه و لکن امکان رکوع و سجود در حال نشستن در آن بود و یک مکان دیگری بود سقفش مرتفع و لکن امکان تحرک و رکوع و سجود اختیاری در آن نبود. مورد دیگر هم این است شخصی است که مشکل جسمی دارد که اگر برای سجده بنشیند نمی‌تواند قیام کند برای رکعات بعدی.

برخی مثل آقای سیستانی فرمودند وظیفه این شخص این است که نماز ایستاده بخواند با ایماء به رکوع و سجود. اگر رکوع اختیاری می‌‌تواند بکند سجود اختیاری نمی‌تواند بکند، فقط در سجود ایماء بکند به سجود ولی رکوعش را به شکل رکوع اختیاری انجام بدهد. آقای سیستانی استدلال کردند به روایات خاصه که دو روایتش را ما مطرح کردیم و جواب دادیم.

اما روایت سوم که ایشان استدلال کردند مجموعه روایاتی است که مفادش این است که شخص قادر بر قیام باید نماز ایستاده بخواند که ایشان فرمود مقتضای این روایات این است که نماز ایستاده و لو با ایماء به رکوع و سجود مقدم بر نماز نشسته و لو با رکوع و سجود اختیاری در نماز نشسته.

به نظر ما این استدلال هم ناتمام است. چون که روایاتی که مفادش این باشد که کسی که می‌‌تواند ایستاده نماز بخواند باید نماز ایستاده بخواند و نه نماز نشسته، به نحوی که در مقام قابل استدلال باشد ما نداریم. بله، در صحیحه ابی حمزة از امام باقر علیه السلام نقل می‌‌کند در ذیل آیه شریفه الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم، می‌‌فرماید الصحیح یصلی قائما و قعودا المریض یصلی جالسا. انسان سالم گاهی نماز ایستاده می‌‌خواند گاهی نشسته، مریض نشسته نماز می‌‌خواند. و علی جنوبهم الذی یکون اضعف من المریض الذی یصلی جالسا. علی جنوبهم هم مربوط به کسی که از مریضی که نماز نشسته می‌‌خواند حالش بدتر است. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 481.

این روایت از آن استفاده نمی‌شود که در تزاحم بین نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود و نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری نماز ایستاده ایمائی مقدم است. راجع به انسان مریض فرموده نماز نشسته می‌‌خواند، انسان سالم هم گاهی نماز ایستاده می‌‌خواند گاهی نشسته. اطلاقی اصلا ندارد که نسبت به این حالی که شخص امرش دائر بین نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود یا نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری اطلاقی داشته باشد که بگوید این باید نماز ایستاده بخواند.

روایت دیگر مرسله صدوق است که در صفحه 485 وسائل نقل کرده همان جلد 5، قال رسول الله صلی الله علیه و آله المریض یصلی قائما فان لم یستطع صلی جالسا. مریض نماز ایستاده می‌‌خواند، ‌اگر نتواند نماز نشسته می‌‌خواند.

این هم راجع به شخص مریض است که تا بتواند نماز ایستاده بخواند، ‌اگر نمی‌تواند نوبت می‌‌رسد به نماز نشسته. اگر نگوییم ظاهر این روایت این است که وقتی که می‌‌فرماید نماز ایستاده بخواند یعنی همان نماز ایستاده متعارف. نمازی که ایشان فرموده که عریانا انسانی که لباس ندارد در حال قیام می‌‌خواند با ایماء به رکوع و سجود در جایی که امن از ناظر محترم است ایستاده نماز می‌‌خواند با ایماء به رکوع و سجود، این متعارف نیست. اگر نگوییم ظاهر یصلی المریض قائما این است که نماز ایستاده متعارف مد نظر است، لااقل این است که این ظاهر در این است که مریضی که توانایی بر قیام دارد، قیام می‌‌کند ولی اگر نمی‌تواند قیام کند نماز نشسته می‌‌خواند. ناظر نیست به فرضی که می‌‌تواند قیام کند ولی نمی‌تواند رکوع و سجود در حال قیام بجا بیاورد. ناظر به شرط قیام و شرط جلوس است که شرط قیام کی ساقط می‌‌شود. من حیث هو هو ظاهرش این است که دارد لحاظ می‌‌کند شرط قیام را نه به لحاظ مقارناتش مثل این‌که رکوع و سجود اختیاری مختل بشود در حق او. می‌‌فرماید مریض تا می‌‌تواند می‌‌ایستد اگر نتوانست می‌‌نشیند. اگر نگوییم منصرف به ایستاده متعارف است که همراه با رکوع و سجود اختیاری است لااقل این است که ناظر نیست به اختلال واجبات دیگر در حال قیام مثل اختلال رکوع و سجود اختیاری.

علاوه بر این‌که این روایت مرسله است و اعتباری ندارد.

بهرحال ما یک اطلاقی پیدا نکردیم که روایت معتبره‌ای بخواهد بگوید شخصی که می‌‌تواند نماز ایستاده بخواند بطور مطلق نماز ایستاده بر نماز نشسته مقدم است و اطلاق داشته باشد از این جهت که و لو اختلال پیدا کند سایر واجبات مثل رکوع و سجود اختیاری.

ثانیا: بر فرض اطلاق داشته باشد این روایات که المریض یصلی قائما فان لم یستطع یصلی جالسا اطلاق داشته باشد که تا می‌‌تواند انسان مریض بایستد نماز بخواند، ‌مریض هم که خصوصیت ندارد، اگر نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، ‌بر فرض اطلاق داشته باشد که به اطلاقش بتوانیم تمسک کنیم که حالا که نمی‌تواند رکوع و سجود اختیاری را در حال قیام انجام بدهد نوبت می‌‌رسد به ایماء به رکوع و سجود و این مقدم بر رکوع و سجود اختیاری در نماز نشسته، این اطلاق تعارض می‌‌کند با اطلاق امر به رکوع و سجود ارکعوا و اسجدوا که در نماز باید رکوع کنید سجود کنید، که ظاهرش رکوع و سجود اختیاری است، رکوع و سجود ایمائی که رکوع نیست سجود نیست عرفا.

روایت چهارمی که آقای سیستانی مطرح کردند صحیحه حماد بود که سئل ابوعبدالله علیه السلام عن الصلاة فی السفینة فقال ان امکنه القیام فلیصل قائما و الا فلیقعد ثم لیصل. در مورد نماز در سفینه حضرت فرمودند اگر می‌‌تواند بایستد ایستاده نماز بخواند اگر نمی‌تواند بایستد نشسته نماز بخواند. بعد ایشان فرمودند متعارف در نماز سفینه این است که انسان ایماء می‌‌کند به رکوع و سجود و لذا در روایت آمده الصلاة فی السفینة ایماء.

این استدلال هم به نظر ما ناتمام است. این‌که در روایت آمده الصلاة‌ فی السفینة ایماء که در صحیحه ابن ابی عمیر است که در استبصار جلد 1 صفحه 455 و تهذیب جلد 3 صفحه 298 نقل می‌‌کند ابن ابی عمیر عن غیر واحد من اصحابنا عن ابی عبدالله علیه السلام الصلاة فی السفینة ایماء. این ظاهرش این است که ناظر به این فرضی که اگر شخص رکوع و سجود بکند توازنش در کشتی بهم می‌‌خورد و کشتی ممکن است غرق بشود. و لذا فرمودند نماز در کشتی به شکل ایماء است. این اختصاص به این‌که در حال ایستاده باشد یا نشسته باشد ندارد. فرض نکرده اگر بنشیند نماز با رکوع و سجود اختیاری بجا می‌‌آورد ولی اگر بایستد باید ایماء بکند به رکوع و سجود. خیلی وقت‌ها کشتی که بزرگ هست، نسبتا بزرگ است شخص می‌‌تواند هم بایستد هم رکوع و سجود اختیاری بکند. و لذا در برخی از روایات آمده که راجع به نماز در کشتی اذا کانت ثقیلة اذا قمت فیها لم تحرک، فصل قائما و ان کانت خفیفة تکفأ فصل قاعدا اگر کشتی سنگین است، بار در آن است، سنگین شده، وقتی شما در آن‌جا نماز بخوانی در حال ایستاده تکان نمی‌خورد خب نماز ایستاده بخوان. وقتی تکان نمی‌خورد رکوع و سجود اختیاری هم می‌‌شود کرد. ولی اگر سبک است و اگر بایستی ممکن است کج بشود کشتی به یک طرف و خطرناک باشد فرموده نماز نشسته بخوان. و لذا در این صحیحه حماد هم ما این را عرض می‌‌کنیم که فرموده نماز در کشتی اگر بتواند انسان بایستد ایستاده نماز می‌‌خواند اگر کشتی سبک نیست سنگین است انسان می‌‌تواند در کشتی نماز ایستاده بخواند، رکوع و سجود اختیاری هم عادتا می‌‌تواند بجا بیاورد. و اگر کشتی سبک است، نماز نشسته می‌‌خواند و چه بسا حتی حرکت به رکوع و سجود هم در این حال مشکل برایش ایجاد کند، ایماء می‌‌کند به رکوع و سجود. بهرحال از این روایت بخواهیم استفاده کنیم که در خصوص دوران امر بین نماز ایستاده با ایماء‌به رکوع و سجود و یا نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری نماز ایستاده را مقدم کرده انصافا این استفاده اشکال دارد. اگر هم اطلاقش بخواهد این را بگیرد با اطلاق امر به رکوع و سجود تعارض می‌‌کند.

روایت پنجمی که ایشان مطرح کردند صحیحه معاویة بن عمار است. سألت اباعبدالله علیه السلام عن الصلاة فی السفیة فقال تستقبل القبلة‌بوجهک ثم تصلی کیف دارت تصلی قائما فان لم تستطع فصل جالسا. تهذیب الاحکام جلد 3 صفحه 295. تقریب استدلال ایشان هم روشن است. ایشان می‌‌فرمایند در کشتی امر دائر باشد بین نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود یا نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری اطلاق این روایت می‌‌گوید ایستاده نماز بخوان نه نشسته. اگر نمی‌توانی بایستی نماز نشسته بخوان.

عرض کردیم متفاهم عرفی از این روایت همین است که اگر بایستی کشتی تکان می‌‌خورد چون کشتی سبک است، بنشین و الا اگر کشتی سنگین است بایست. خب عادتا کسی که می‌‌ایستد در کشتی که استحکام دارد و سنگین است متمکن از رکوع و سجود اختیاری هم هست. این‌که بگوییم متعارف این است که اگر بایستم باید ایماء کنم به رکوع و سجود و اگر بنشینم رکوع و سجود اختیاری بجا می‌‌آورم این درست نیست. همچون چیزی متعارف نیست. اولا روایت از آن استفاده نمی‌شود و لو به اطلاقش که نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود مقدم بر نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری است. چون عرض کردم عادتا کسی که می‌‌تواند بایستد در کشتی یعنی کشتی سنگین است و دچار اضطراب نمی‌شود، ‌متمکن از رکوع و سجود هم هست طبعا. بر فرض اطلاق داشته باشد عرض کردم تعارض می‌‌کند با اطلاق امر به رکوع و سجود که منصرف است به رکوع و سجود اختیاری.

پس ادله‌ای که ایشان ذکر کرد برای تعین صلا قائما مع الایماء الی الرکوع و السجود تمام نیست.

دلیل قول کسانی که می‌‌گفتند نماز نشسته باید بخواند این شخص با رکوع و سجود اختیاری، این است که این‌ها گفتند باب تزاحم است. از یک طرف واجب است قیام در نماز از یک طرف واجب است رکوع و سجود، و رکوع و سجود اهم است از قیام. چرا اهم است؟ چون مستفاد از روایات مثلا این است که فرمودند الصلاة ثلاثه اثلاث ثلث رکوع ثلث سجود ثلث طهور. یا در صحیحه عبدالله بن سنان آمده است که ان الله فرض فی الصلاة الرکوع و السجود.

وجه دیگری که ذکر می‌‌شود برای تقدیم رکوع و سجود بر قیام این است که گفته می‌‌شود رکوع سجود فریضه است ولی قیام فریضه نیست. در قرآن نیامده که قیام متعین است در نماز. و یکی از مرجحات باب تزاحم این است که اگر بین فریضه و سنت تزاحم بود فریضه مقدم است یعنی آنی که در قرآن آمده مقدم است بر آنی که در روایات آمده.

به نظر ما این استدلال‌ها هم تمام نیست. اصلا عرض کردیم در واجبات ضمنیه یعنی اجزاء و شرائط یک واجب ارتباطی تزاحم فرض نمی‌شود. اگر من عاجز بودم از جمع بین دو جزء یا دو شرط نماز باب تعارض می‌‌شود نه باب تزاحم. و لذا نوبت به این بحث مرجحات باب تزاحم نمی‌رسد.

علاوه بر این‌که اهمیت رکوع و سجود از قیام روشن نیست. این‌که گفتند رکوع و سجود فریضه است قیام سنت است، نخیر قیام هم فریضه است. برای این‌که در همان صحیحه ابی حمزة آیه قرآن را تفسیر کرد. در ذیل الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم فرمود الصحیح یصلی قائما و قعودا.

و لذا به نظر ما می‌اید که طبق صناعت همان‌طور که آقای خوئی فرمودند کسی که عاجز است از جمع بین قیام و رکوع و سجود اختیاری یا باید قیام کند و ایماء کند به رکوع و سجود یا اگر می‌‌خواهد رکوع و سجود اختیاری بجا بیاورد باید نماز نشسته بخواند مقتضای قاعده این است که مخیر است بین این دو چون دلیل شرطیت قیام با دلیل جزئیت رکوع و سجود تعارض و تساقط می‌‌کنند و ما احتمال تخییر می‌‌دهیم که مکلف مخیر باشد بین این دو نماز، برائت از وجوب تعیینی هرکدام جاری می‌‌کنیم نتیجه می‌‌شود تخییر.

بله‌، بناء بر نظر مشهور که در دوران امر بین تعیین و تخییر احتیاط را لازم می‌‌دانند مقتضای قاعده این است که جمع کنیم بین دو نماز یک نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود یک نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری. که این مبنای مشهور است در دوران امر بین تعیین و تخییر. و لکن طبق مبنای صحیح برائت از تعیین جاری می‌‌شود بلامعارض نتیجه می‌‌شود تخییر.

این‌که صاحب عروه در فرض سعه وقت احتیاط واجب کرد دو نماز بخوانیم ولی در ضیق وقت فرمود بعید نیست تخییر، با توجه به این‌که مبنای ایشان در واجبات ضمنیه که عاجز می‌‌شویم از جمع بین دو جزء یا دو شرط نماز این است که مشمول قواعد تزاحم هست، وجه این‌که این‌جا اعمال قواعد تزاحم نکرده روشن نیست. خب وقتی اهمیت قیام بر رکوع و سجود یا بر عکس روشن نبود مقتضای قاعده در باب تزاحم تخییر است چرا ایشان قائل شد به این‌که الاحوط وجوبا الجمع بین الصلاتین برای ما روشن نیست.

مطلب دیگر راجع به فرمایش صاحب عروه است که فرمود بعید نیست مخیر باشد یا نماز بخواند در آن مکانی که ایستاده نماز می‌‌خواند با ایماء به رکوع و سجود یا در آن مکانی که نشسته نماز می‌‌خواند با رکوع و سجود اختیاری، برخی از محشین عروه فرمودند احتیاط این است که بعدا نمازش را قضا بکند که البته چون فرصت است بعدا نمازش را بطور اختیاری قضا می‌‌کند. این مبتنی بر این است که ما بگوییم حال که در داخل وقت احتیاط لازم بود به جمع بین دو نماز و این شخص متمکن از جمع بین دو نماز نبود بخاطر ضیق وقت شک در امتثال تکلیف دارد و لذا باید طبق قاعده اشتغال بعدا نماز را قضا کند و لکن چون که ما معتقدیم قضا به امر جدید است و موضوع آن فوت فریضه است با شک در فوت فریضه شک در وجوب قضا می‌‌کنیم و از آن برائت جاری می‌‌کنیم.

کلام واقع می‌‌شود در شرط هفتم از شرائط مکان مصلی که صاحب عروه فرموده است ان لایکون متقدما علی قبر معصوم و لا مساویا له. که ان‌شاءالله در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.